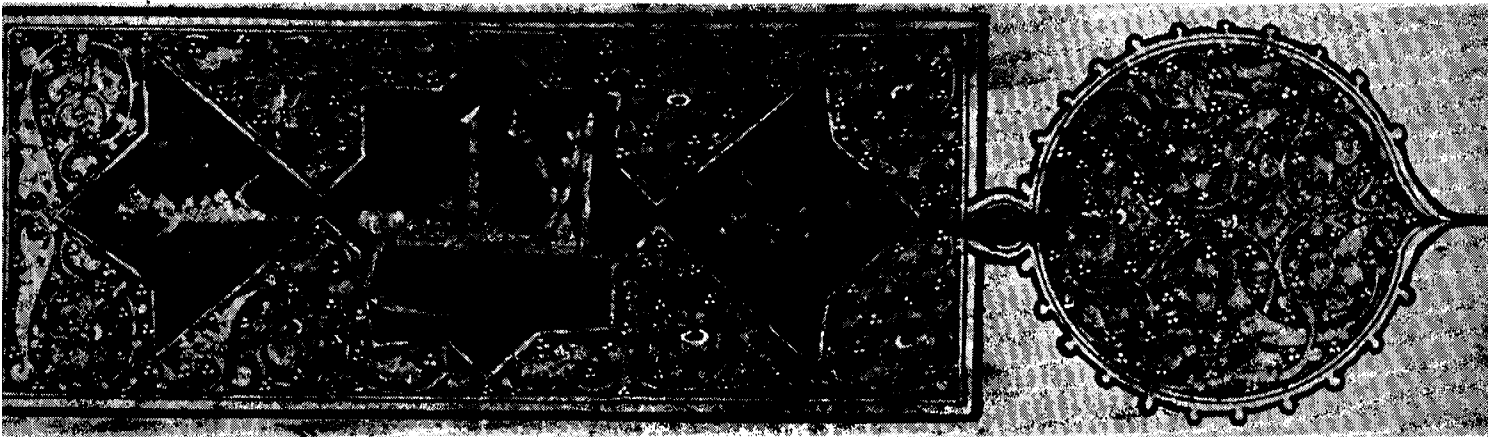




جزء سیام آغاز سورة الاعلی

* شاهکارهای هنری گنجینه انگیزی از قرن پنجم هجری سرگذشت حیرت‌آور آن

احمد گلچین معانی

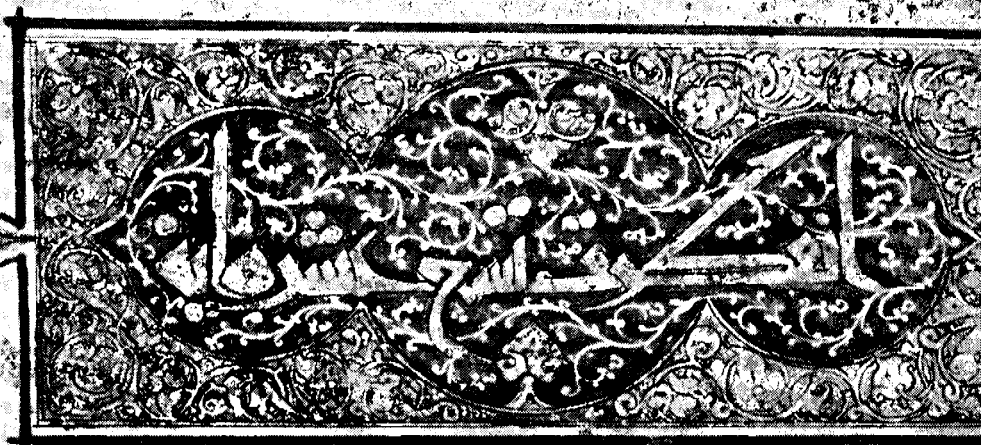
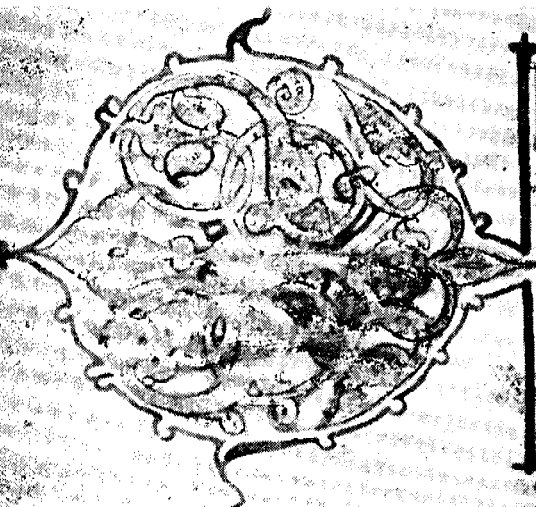
(۱۰۳۷ هـ) اکنون این سه جزوه میان موزه ایران باستان و موزه آستان قدس رضوی تقسیم شده است و دریاورقی توضیح داده‌اند که: «نسخه موزه ایران باستان نیز در سال گذشته بکتابخانه آستان قدس منتقل شد».

با آنکه نویسنده این سطور نام واقف دوجزو آستان قدس (علی بن ابوالفضل) و تاریخ وقف (ربیع‌الآخر سنه شص و چهارده هجری) را در کتاب راهنمای گنجینه قرآن مذکور داشته است ولی مشارالیها بدان توجه نکرده واقف را شاه عباس صفوی و تاریخ وقف را (۱۰۳۷ هـ) نوشته‌اند. اکنون ببینیم از يك قرآن سی‌پاره این استاد زبردست چند جزوه موجود است. و شیوه و روش او در خوشنویسی و تذهیب بر چه منوال است و چگونه اجزاء آن در یکجا فراهم آمده است؟

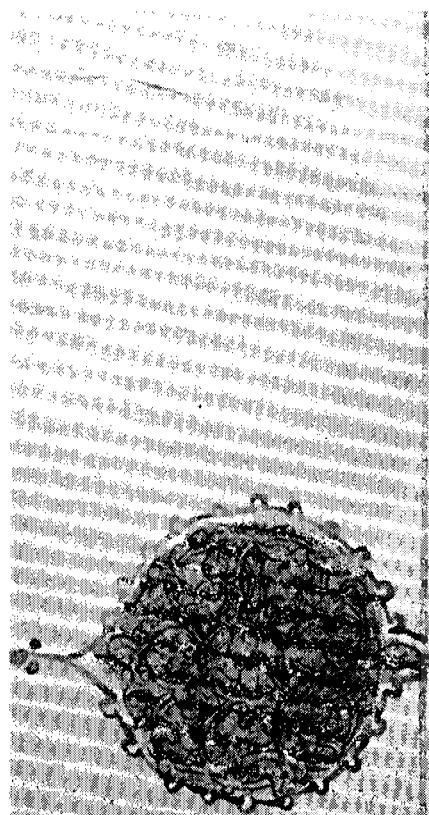
* این مقاله به مناسبت برگزاری جشنواره جهان اسلام تهیه شده است.

ابوعمر و عثمان بن حسین بن ابوسهل و راق غزنوی از خوشنویسان و مذهبیان زبردست قرن پنجم هجری و معاصر الب ارسلان و ملک‌شاه سلجوقی بوده هنر خوشنویسی و تذهیب را از اسلاف خود به ارث برده و در اعقاب خویش به میراث گذاشته است.

جزو دهم از يك قرآن سی‌پاره کار او در کتاب راهنمای گنجینه قرآن موزه ایران باستان چاپ ۱۳۲۸ (ص ۱۳ شماره ۲۵ و تصویر شماره ۳) و جزو اول و بیست و دوم از همان سی‌پاره در کتاب راهنمای گنجینه قرآن آستان قدس رضوی چاپ ۱۳۴۷ (ص ۴۵ - ۵۰) معرفی شده است. در شماره صد و پنجاهم مجله هنر و مردم (فروردین ۱۳۵۴) شرحی تحت عنوان: «شیوه تذهیب عثمان بن راق»^۱ به قلم خانم نوشین نفیسی دیده شد که نوشته بودند: «... چون پانصد سال بعد جزوه‌هایی از قرآن‌های کار او با اختیار شاه عباس صفوی درآمد آنها را بر آستان قدس رضوی و مزار نیای خاندان خود شیخ صفی‌الدین اردبیلی وقف نمود



بالا : جزو سیام آغاز افتد (سورة انتظار) . پائین : ذکر نام سشاری دهنده قرآن در آغاز جزو بیست و هشتم .



در آبان ماه ۱۳۴۶ که نگارنده گنجینه قرآن را در آستان قدس تشکیل داد، در میان قرآنهای ثبت شده و ابوابجمعی کتابخانه فقط دو جزو از قرآن کار عثمان بن حسین وراق وجود داشت (جزو اول و جزو بیست و دوم) و هردو را از نظر قدمت و نفاست و تذهیب در گنجینه بنمایش گذاشت. یکسال و نیم بعد ضمن نوسانهایی که بیرون و درون حرم مطهر صورت میگرفت، بالای بام حرم محلی کشف شد که در آن گونی‌هایی محتوی جزوات قرآن و اوراق پراکنده بود.

پس از تحقیق از معمرین که رئیس اسبق کتابخانه نیز یکی از آنها بود همینقدر معلوم شد که از سوابق ایام که تاریخ دقیق آن بدرستی معلوم نیست گونی‌های مزبور در قسمت فوقانی قرائت‌خانه سابق کتابخانه واقع در جنوب ایوان طلای صحن قدیم داخل در کمرپوشی ریخته شده بود و متصدیان وقت در پنجاه سال پیش تصور میکردند گونی‌های محتوی ورق‌پاره قرآن‌های خطی است که چون درست شدنی نبوده به احترام قرآن و برای اینکه زیر دست و پا نریزد بدینصورت در آن حفره گذاشته شده است.

از سال ۱۳۴۳ به بعد در ضمن توسیع حرم مطهر واحداث رواقهای جدید و تعمیر بیوتات، گونی‌های موصوف با دست کارگران ساختمان و بدون اطلاع اولیاء آستان قدس چندبار از مکانی بکنان دیگر انتقال یافت تا در اوایل آبان ۱۳۴۸ یکی از خدمه تشریفات محل اخیر آنها را در قسمت فوقانی دارالسلام بین دپوش سقف حرم مطهر پیدا کرد و پس از کاوش، یک جلد بقایای قرآن سوخته و چندورق و یک جزو سالم از میان آنها بیرون آورد و نزد رئیس تشریفات برد و او به نیابت تولیت اطلاع داد و در نتیجه محتویات گونیها رسیدگی شد و به کتابخانه انتقال یافت.

تعداد قرآنهای کشف شده از کامل و نیمه و سبع و نیم سبع و سه جزوی و یک جزوی و نیم جزو و حزب آنچه بین الدفتین قرار گرفته بود و چهار جزو بسیار نفیس و کهن‌سال از تورات و چهار دفتر ادعیه باضافه دیوان تمیم بن مقبل تحریر سنه سیصد و هشتاد هجری و دیوان عبدالله بن احمد خازن تحریر سنه چهارصد و هشتاد و یک و کتاب بی سروتی در پزشکی و بیست و چهار جلد قرآن دیگر که بعداً بدست آمد رویهمرفته به یک هزار و هفتصد و هشت مجلد بالغ گردید.

از آنجا که در سال ۱۳۴۹ بعضی از روزنامه‌های داخلی و مجلات خارجی درباره سرقت قرآن از کتابخانه آستان قدس مطالب بی‌اساسی نشر داده بودند، فرصت را مغتنم شمرده توضیح میدهم که بیست و چهار جلد قرآنی که گفته شد بعداً

بدست آمد از داخل همان گونی‌ها در نقل و انتقالات قبلی که ذکرش گذشت توسط چراغچی حرم بسرقت رفته و فروخته شده بود و وقتی که یکجلد از آنها را مجلس شورای ملی به بهای خیلی کمی (سیصد هزار ریال) ابتیاع کرد، بنده کنجکاو شدم تا فروشنده و واسطه معامله را بشناسم و چون این هردو معلوم شد با گفتگوی بسیار فروشنده را وادار به اقرار کردم و همینکه دانسته شد از چه کسی خریده است دیگر کار تمام بود، بنابراین شش جلد از قرآنهای مسروقه را خود بنده جمع‌آوری کردم و بقیه را که در تهران و لندن و کالیفرنیا پراکنده شده و از دسترس خارج بود با کمک کارآگاهان بدست آوردیم. و سارق و کسانی که دانسته قرآن مسروقه از وی خریده بودند در دادگاه جنائی استان محاکمه شدند و به شش ماه تا سه سال زندان محکوم شدند.

درین مجموعه عظیم قدیمترین تاریخ تحریر سیصد و بیست و هفت و جدیدترین آنها هفتصد و نود و پنج هجری است و قدیمترین تاریخ وقفی که دارد سیصد و نود و سه و جدیدترین آنها هشتصد و شصت و هشت هجریست.

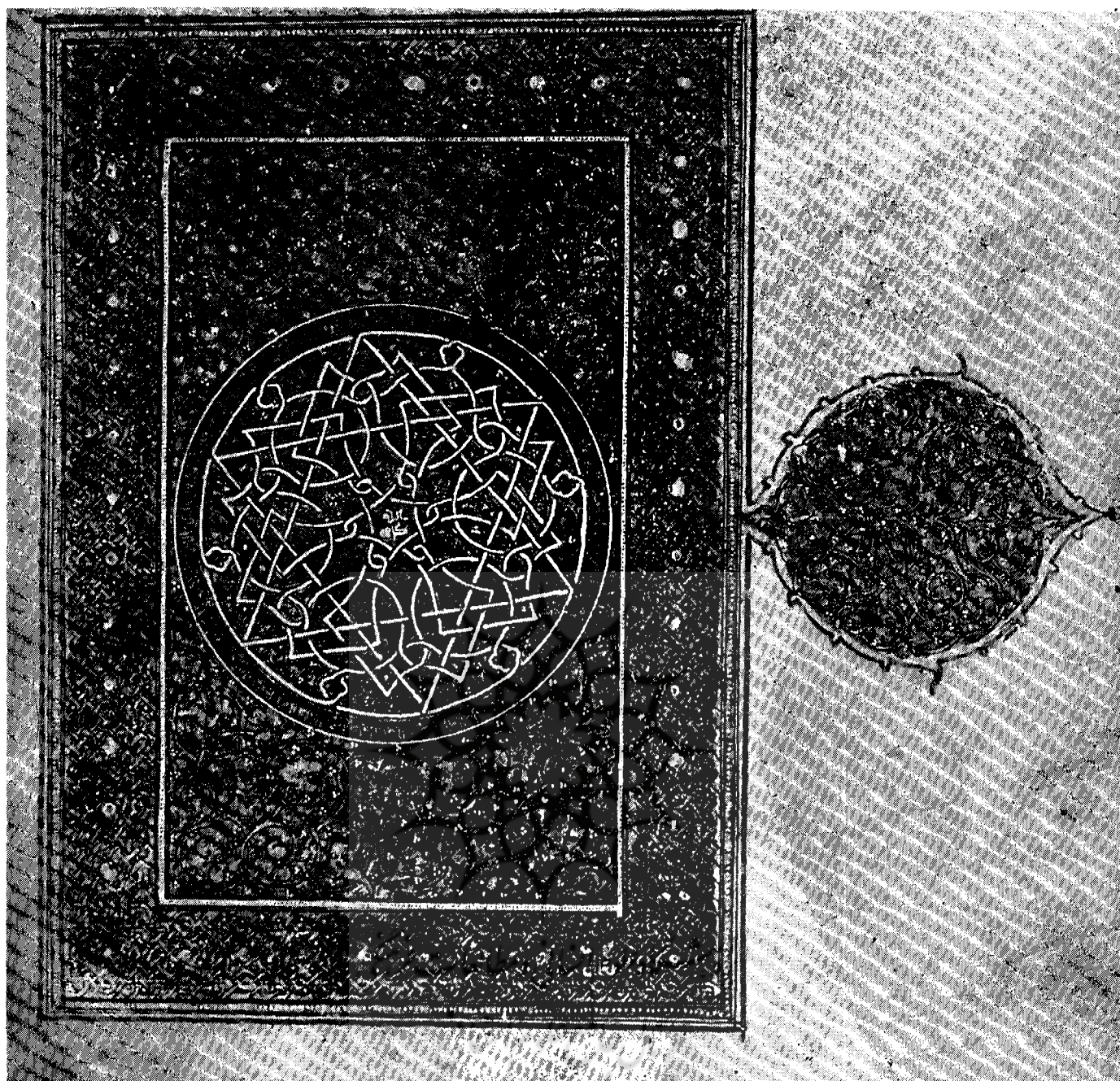
در اوقاتی که از قرآنهای کشف شده صورت برداری میشد بیست و شش جزو دیگر از قرآن کار عثمان بن حسین و راق بدست آمد و با دو جزو قبلی که از قرآنهای ثبت شده و داخل در ابوابجمعی کتابخانه بود و جزو دوازدهم که در میان قرآنهای مسروقه پیدا شد جمعاً به بیست و نه جزو بالغ گردید.

همچنین در میان قرآنهای مزبور تعداد زیادی از اجزاء سی‌باره‌های ناقص کتابخانه بدست آمد که هیچیک از آنها شماره ثبت نداشت و عرض دیده نشده بود. از جمله از قرآن وقفی ابوالقاسم منصور بن محمد بن کثیر مورخ سیصد و نود و سه هجری که فقط جزو سیزدهم آن در کتابخانه موجود بود پانزده جزو دیگر از گونیها در آمد و از قرآن خط ابوالبرکات رازی مورخ چهارصد و سی و یک هجری که فقط جزو هشتم آن در کتابخانه بود چهارده جزو دیگر پیدا شد.

این قرآن‌ها یا وقف روضه رضویست یا مساجد اطراف، و بسیاری هم علائم وقف ندارد. ولی بالاخره هیچ برگه‌ای بدست نیامد تا معلوم شود چه کسی در چه تاریخی و برای چه منظوری گنجی را در کنجی پنهان کرده بوده است. آنچه مسلم است اینست که در جنگ جهانی دوم و زمان اشغال ایران آقای عبدالعلی اوکتایی رئیس کتابخانه با کمک یکی از همکاران طرف اعتماد خود شبی پیش از ورود قوای بیگانه به مشهد نفاس مخطوطات آستان قدس را به داخل معبری از بیوتات انتقال داده و مدخل آنرا تیغه کرده بود و تا زمانی که بیگانگان خاک خراسان را ترك نکردند و محیط امنی



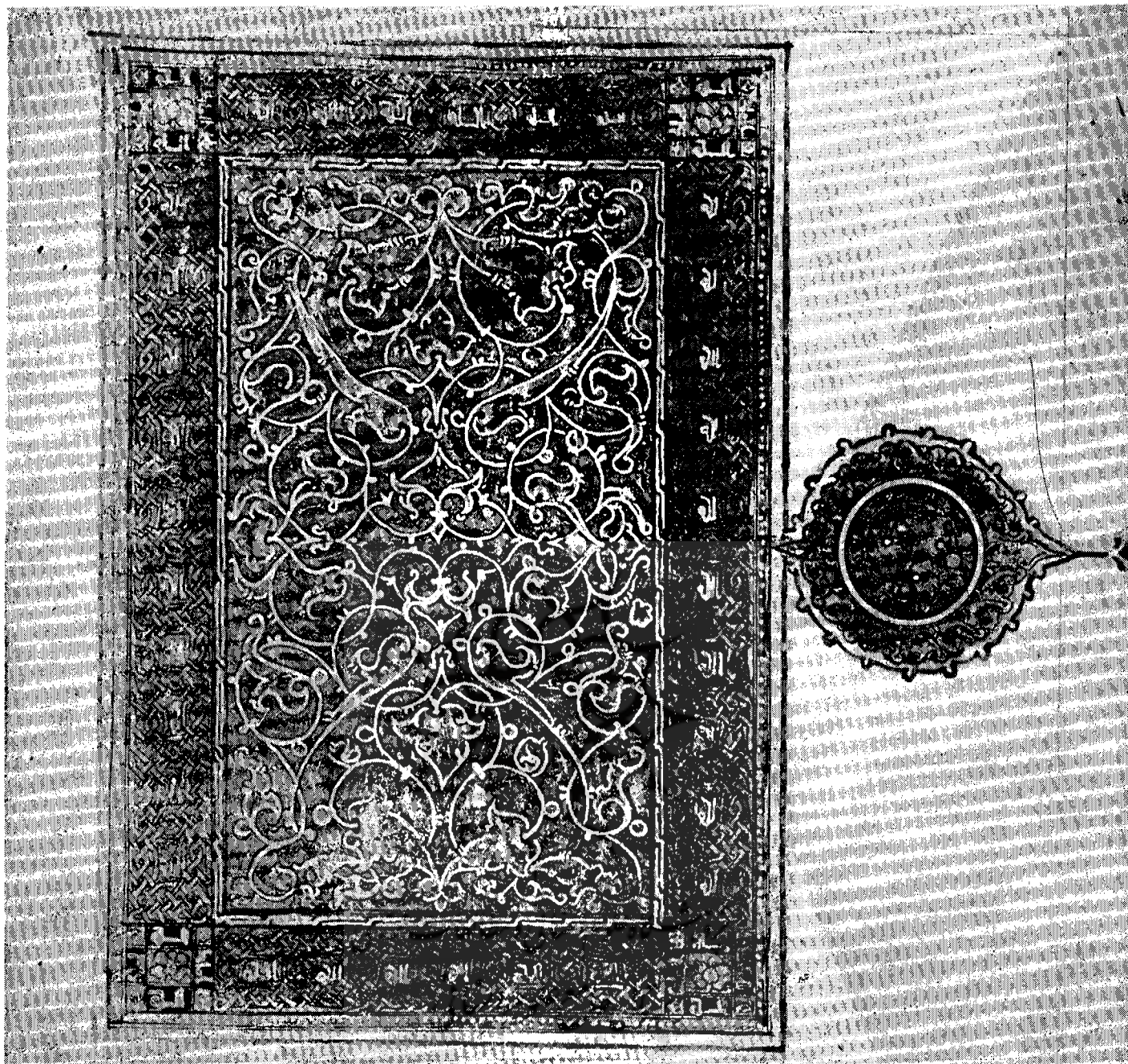
آغاز جزو ۳۴ آیه ۳۳ سورة التّرمز .



از صفحات مذهب آغاز هر جزء درون دو دایره بیرون شرح با خط کوفی ترجمینی ۴۵ بار «الملک الله» نوشته شدم است .

منظور نظر گنجور وقت بوده منتهی این کار در فرصتی کوتاه و با شتابزدگی صورت گرفته باشد ؟
و آیا در چنین صورتی امکان این هست که عامل اختفای قرآنها در قتل عام اهل مشهد کشته شده باشد و پس از رفع غائله چون کسی نبوده که جای آنها را بداند تا چند قرن مخفی و از نظرها مستور مانده باشد ؟^۱

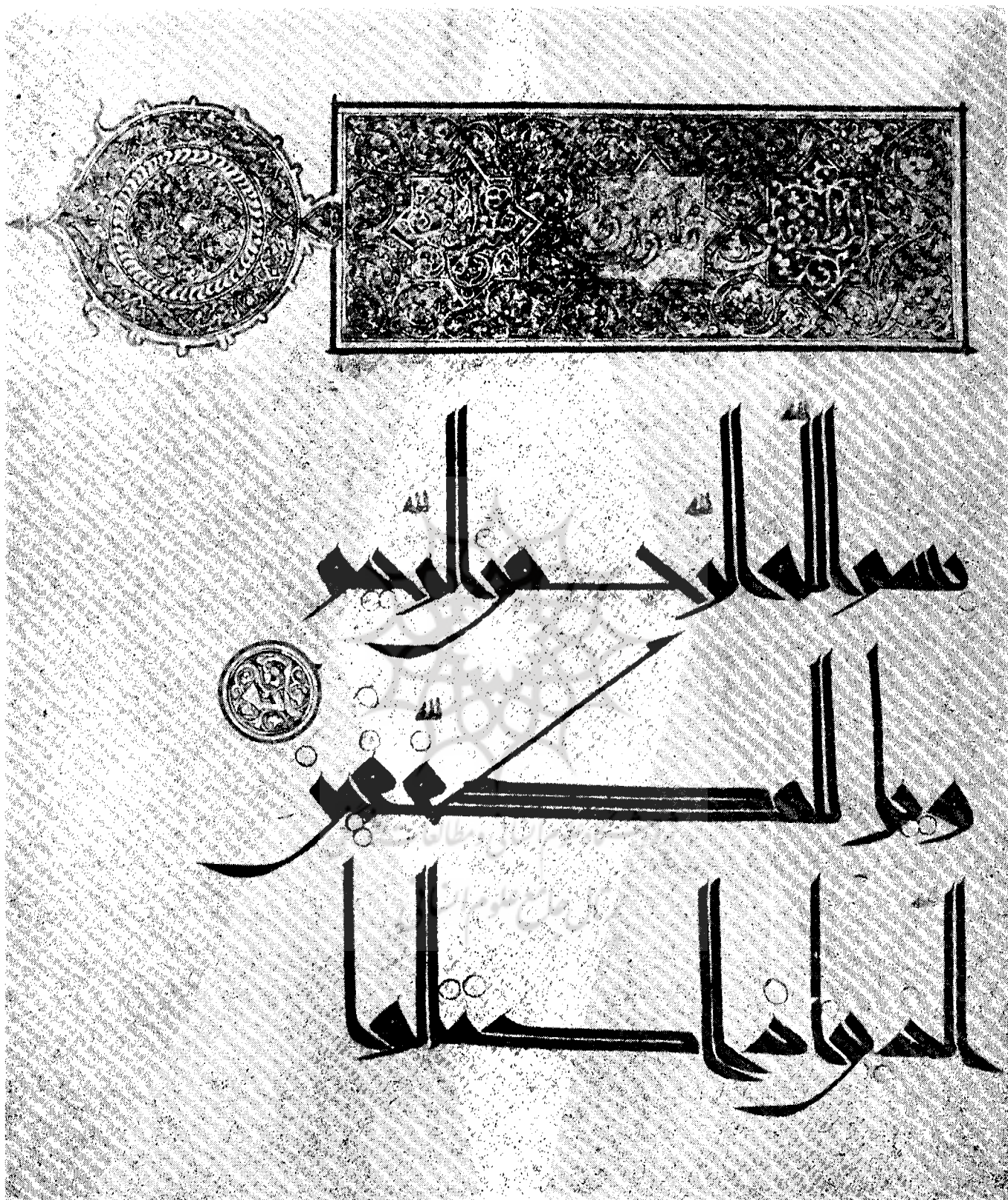
بوجود نیامد آن گنج از نهانخانه خارج نشد و هیچکس جز آن دونفر از این راز آگاهی نداشت .
آیا میتوان بقرینه این اقدام صمیمانه که در روزگار خود ما بمنظور حفظ این ذبیله نفاس از دستبرد اجانب صورت گرفته است احتمال دارد که در یکی از تاخت و تازهای اوزبکان نیز انتقال قرآنها و اختفای آنها در محلی امن



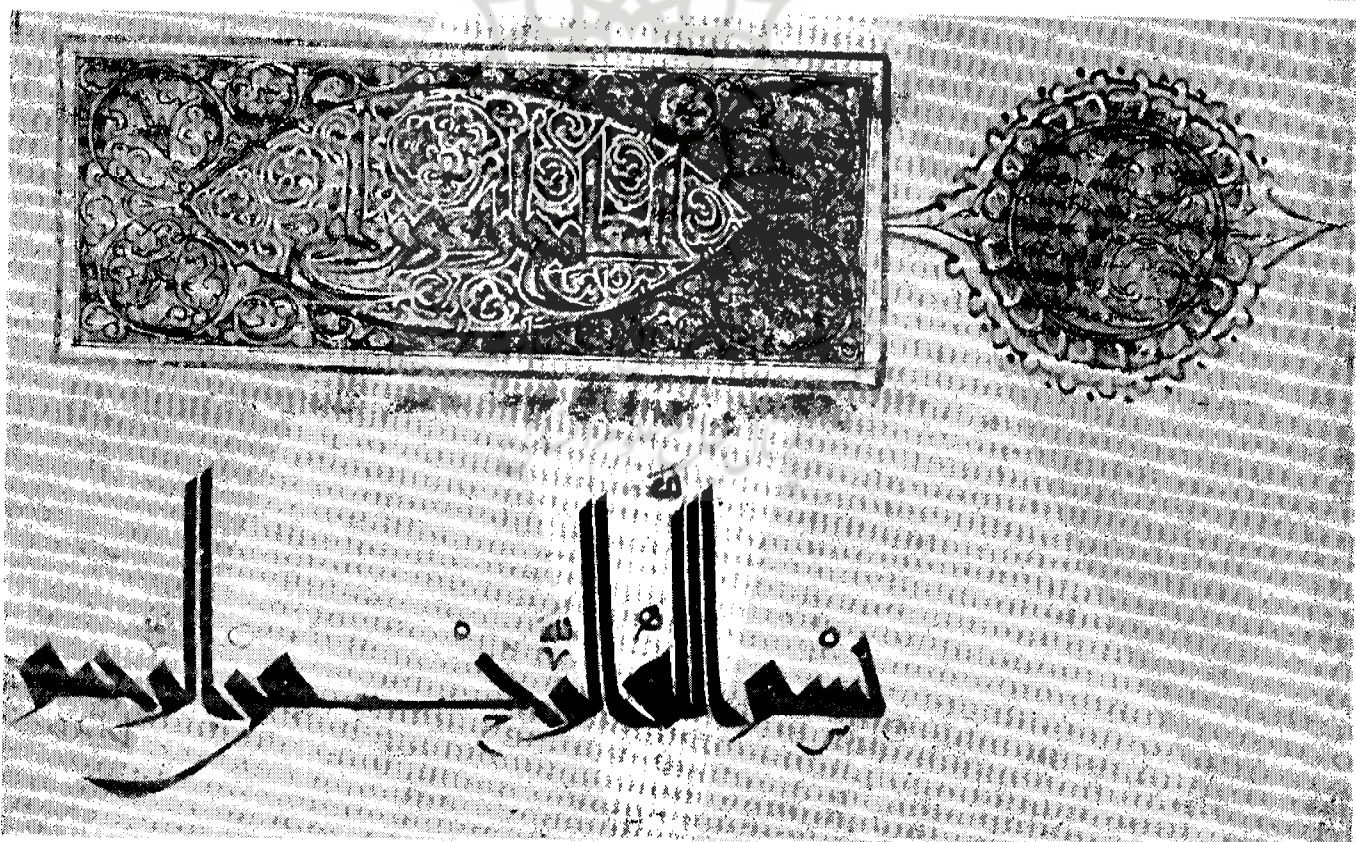
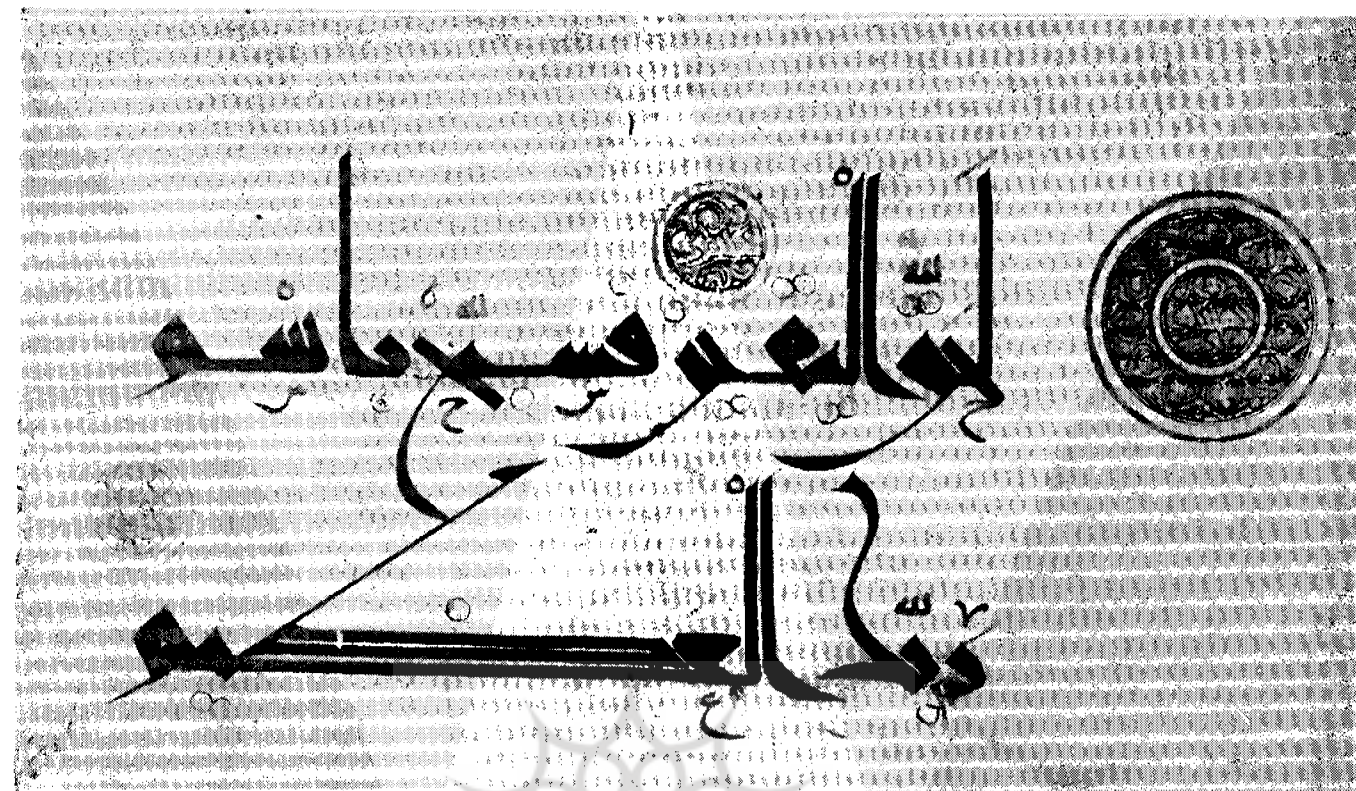
صفحه‌ای تمام تذهیب از آغاز يك جزو .

ناگهان به یاد کتاب راهنمای گنجینه قرآن موزه ایران باستان افتادم که در سال ۱۳۲۸ بکوشش استادان فقید دکتر مهدی بهرامی و دکتر مهدی بیانی نشر یافته بود و بخاطرم رسید که از عثمان وراق در آن کتاب یاد شده است و چون مراجعه کردم دیدم صفحه اول جزو دهم در آنجا کلیشه شده است و ذیل آن نوشته اند : « نمونه‌ای از خط و تذهیب قرن

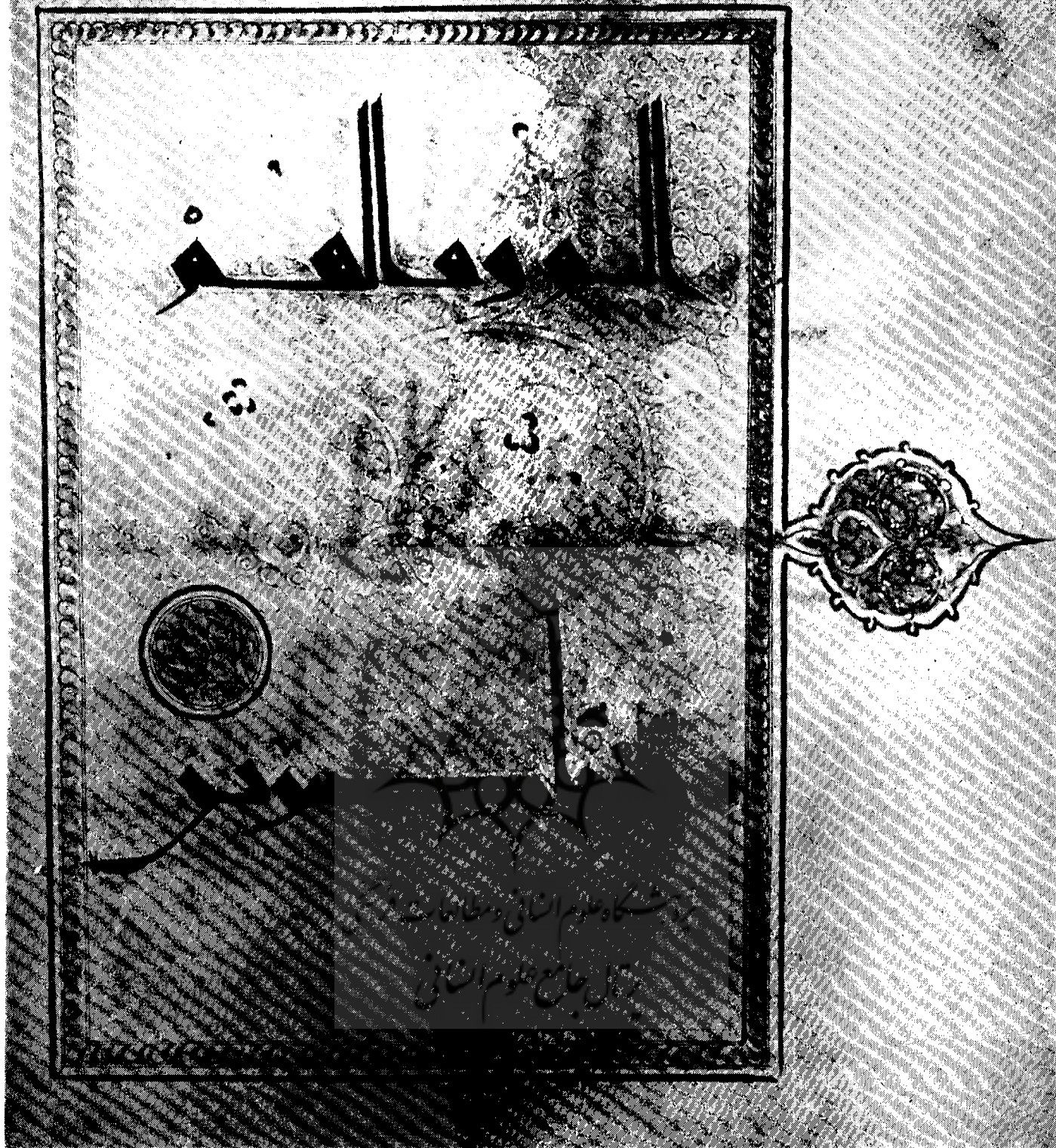
باری در اردیبهشت سال ۱۳۵۲ برای قرآنهای کشف شده قفسه آهنی دردار تهیه شده و وقتی که آنها را از صندوقهای چوبی به داخل قفسه‌های جدید انتقال میدادند درصدد برآمدم تا ببینم کدام جزو از اجزاء سی گانه قرآن مزبور کم است ، در نتیجه معلوم شد که جزو دهم را ندارد و از این بابت اندوهی عمیق سراپای وجودم را فرا گرفت ، در آن حالت



جزو سیام آغاز سورة المطففين .



جزو بیستونهم آغاز سورة المعراج



صفحه آخر جزو سوم.

درخواست کردم تا برای اعاده آن اقدامی بعمل آورند ،
متأسفانه به این تقاضا ترتیب اثر داده نشد .
يك سال گذشت تا جناب دكتر عبدالعظيم وليان به سمت

پنجم به‌شيوه عثمان بن وراق» (كذا) همينكه ديدم خط همان
خط است و درپيشاني تصوير نوشته شده است (الجزء العاشر)
با خوشحالي زايدالوصفي به نيابت توليت وقت گزارش داده



جزو هشتم آغاز سورة الاعراف .

اصطلاحاً (بدرقه) نامیده میشود و وقفنامه علی بن ابوالفضل بریک روی ورق مزبور نوشته شده است . ولی از جزو دهم پیش از آنکه به دست شاه عباس برسد بدرقه کنده شده بوده تا وقفیت آن معلوم نگردد و بالفعل یک ورق مکتوب نیز از پایان آن شامل (فهم لایعلمون) و تاریخ تحریر ورقم کاتب افتاده است^۳ .

سی پاره مزبور بدستور ابوجعفر محمد بن احمد عبدوسی نوشته شده و در آغاز جزو بیست و هشتم عبارت ذیل را عثمان وراق غزنوی در دو صفحه چهار سطری بخط رقاع جلی و قلم زر تحریردار نوشته و اطراف آنرا با حاشیه مستطیلی گره دار و یک ترنج زرین در پهلو ترین کرده است :

« امر بکتابه هذا المصحف الشيخ الرئيس السيد ابوجعفر محمد بن احمد عبدوسی اطال الله فی العزالدولة الدائمة بقاء فی شهر سنة ست وستین واربعمایه » .

تاریخ تحریر جزوات از چهارصد و شصت و دو یعنی اواخر عهد الب اربلان است (۴۵۵ - ۴۶۵ هـ . ق) تا چهارصد و شصت و شش هجری که اوایل سلطنت ملک شاه سلجوقی است .

بعضی از جزوها رقم کاتب و تاریخ تحریر ندارد مانند جزوه ۱ و ۱۶ و ۲۰ و ۲۱ و ۲۷ و آنها که رقم و تاریخ دارد نیز از حیث خط و عبارت یکسان نیست و متنوع است ، جزو دوم و ششم رقم بی تاریخ دارد بخط کوفی و در بیشتر اجزاء به خط رقاع یکدست است مانند جزو بیست و دوم که نمونه آن در کتاب راهنمای گنجینه قرآن آستان قدس (ص ۴۷) کلیشه شده است و گاهی رقاع آمیخته به ثلث .

این قرآن مدت پنج سال از ۴۶۲ تا ۴۶۶ در دست کتابت و تذهیب بوده و بعضی از جزوات مؤخر آن تاریخ مقدم دارد

نیابت تولیت عظمی و استاندار خراسان منصوب گردیدند ، روز دوم که به کتابخانه آمدند در ضمن بازدید از تالار نفائس و گنجینه قرآن وقتی که به تماشای دو جزو قرآن عثمان وراق مشغول شدند با ذکر ماجری تقاضا کردم که جزو دهم را به کتابخانه برگردانند ، تقاضای من پذیرفته شد و مقرر گردید گزارش آن تهیه شود تا بشرف عرض ملوکانه برسد ، این اقدام بفوریت صورت گرفت و در مدتی کمتر از یکماه جزو دهم به کتابخانه آستان قدس تحویل گردید و بحمدالله سلسله کامل شد .

این جزو بتمام خصوصیات برابر با سایر اجزاء آنست و با آنکه هر سی جزو را علی بن ابوالفضل یکجا وقف مشهد امام هشتم علیه السلام کرده بود همچنانکه در آغاز اجزاء بیست و نه گانه آن نوشته است : « وقف هذا الجزو من اجزاء الثلاثین الخ » این جزو نه تنها عبارت مزبور را ندارد بلکه بالای گوشه چپ تذهیب مستطیلی آن نوشته بی مهر و امضائی است بدین شرح :

« بتاریخ شهر محرم الحرام سنه سبع و ثلثین بعدالالف وقف نمود کلب آستان حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام عباس الصفوی این آیات قرآنی را بر روضه مقدسه صفیه صفویه حفت بالانوار الجلیه تا ثواب آن روزگار فرخنده آثار عاید گردید مشروط بر آنکه از آن روضه بیرون نبرند و اگر کسی بیرون برد بلعنت خدا و نفرین رسول و ائمه هدی علیهم السلام درآید و در خون حضرت امام حسین علیه السلام شریک باشد » .

برای حل معما باید عرض کنم که تمام جزوات این قرآن در آغاز و انجام یک یا دو ورق کاغذ اضافی از جنس کاغذ متن دارد که متصل به آستر پارچه ای جلد آنست و

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 وَفِي هَذِهِ الْحُرُوفِ مِنْ أَحْرَارِ السُّلَاسِ مِنَ الْعُرَاقِ الْحَكِيمَةِ وَالْكَتَابِ الْكَلِيمَةِ
 الْعَبْدُ الصَّعِيدُ الْمُجْتَاحُ الْحَسَنُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَلَى الْإِصْطِلَاقِ عَلَى الْحَاجِّ الْبَغْدَادِيِّ
 أَدْلَمَ اللَّهُ لَوْ عَلِمَ وَحَلَّ الْحَقُّ فِيهِ فَلَمْ عَلَى الْمُسْتَهْدِ الْمَعْظَمِ الْمُسْلِمِ
 الْإِمَامِ الْمُعْصُومِ السَّهْمِ الْمَطْلُوعِ الْعَرَبِيِّ الْمُسَمَّيِّ إِلَى الْحُسَيْنِ عَلَى
 أَرْبَعِ رُفُوعٍ صَلَوةً عَلَى سَلاَمِهِ وَفِيهَا مَحَلَّةٌ أَمُودَا
 لِإِسَاعٍ وَلَا نُهْبٍ وَلَا نُورٍ هُنَا بِإِلَهِ الْعَالِي وَطَلَبًا لِمُصَاحَبَةٍ
 وَحَسْرَةٍ فِي أَوَّلِ رُبْعِ الْآخِرِ لِرُبْعِ الْبَرَقِ عَمَّا هُوَ مُلْهِمٌ

وقفنامه قرآن کار عثمان بن حنین وراق.

چهارم و بیست و سوم ورق اول ایسن تذهیب افتاده است و
 احتمال میدهم در میان اوراق پراکنده‌ای که داخل گونیهای
 سابق الذکر بوده است باشد.

اسامی سور بخطوط مختلف است و بسمله‌ها بچندین
 نوع کوفی نوشته شده است.

صفحه افتتاح برخی از جزوها پس از تحریر با نقوشی تزیین
 گردیده است.

آخرین صفحه هر جزو با پیچ‌های معکوس شنگرفی
 زمینه‌سازی شده و در وسط آن یک طرح زیبای اسلیمی گیاهی
 با تحریر شنگرف جلوه‌گر است.

صفحات قرآن جدول و کمند ندارد، زیر وزیر و پیش
 و تنوین شنگرف است و تشدید و مد و همزه بزنگار و نقطه
 بزر تحریر دار، علامت سکون دایره کوچک لاجوردی است
 و کلمه وقف شنگرف، تشدید درهم‌جا بصورت (لله) نوشته
 شده است.

فواصل آیات و دوایر زرین بزرگ است و بدو قسمت
 منقسم میشود: قسمت اول دوایر زرین منقش که در جزوات

و بالعکس مثلاً جزو ۱ و ۲۲ و ۲۵ و ۲۸ تاریخ ۴۶۶ دارد
 و چهارم و پنجم ۴۶۴ و جزو ششم تاریخ ۴۶۲ و هیچ جزوی
 که تاریخ ۴۶۳ و ۴۶۵ داشته باشد در میان آنها نیست.
 کوثاهترین رقم کاتب در جزو بیست و نهم است به عبارت

ذیل:

«کتابه عثمان بن الحسین الوراق غفرالله له ولوالديه و
 لجميع المؤمنين والمومنات».

ومفصل‌ترین رقم در پایان جزو سیام است بدین شرح:
 «کتابه وذهبه عثمان بن الحسین بن ابی سهل الوراق الغزنوی
 غفرالله له ولوالديه ولجميع المؤمنين والمومنات والفراغ منه
 فی سنة اربع وستین واربعماية حامداً لله تعالی علی نعمه و
 مصلیاً علی نبیّه محمداً المصطفی وعلی آله وسلم کثیراً، العمر
 فانی والخط باقی».

وکنیه خود را که (ابوعمر) است در پایان جزو
 سیام آورده است.

هر جزوی در آغاز دو صفحه تمام تذهیب مقابل هم
 دارد که طرح و نقش آن با جزو دیگر متفاوتست و از جزو

کتابه ابو عمرو عثمان بن

الحسین الوراق الخزوی

غفر الله له ولوالديه

امین محمد علی التلمی



کتابه و تسمیه عثمان بن الحسین بن علی

الوراق الخزوی غفر الله له ولوالديه

الحسین الوراق الخزوی

منه فی شمسہ ازج و سن و انعامه

صفحه آخر از جزو سی ام.

صفحه آخر از جزو پنجم.

ششصد و چهارده وقف مشهد امام هشتم علیه السلام کرده و در آغاز هر جزو روی صفحه اول از ورق بدرقه بخط خود عبارت ذیل را نوشته است :

«وقف هذا الجزو من اجزاء الثلاثين من القرآن العظيم والكتاب الكريم العبد الضعيف المحتاج الى رحمة الله تعالى علي بن ابي الفضل بن علي الحاجي البقراي ادام الله توفيقه و جعل الخيرات رفيقه على المشهد المعظم المكرم الامام المعصوم الشهيد المظلوم الغريب المسموم ابي الحسن علي بن موسى الرضا عليه الصلوة وعلى آله السلام وفقاً مخلصاً مؤبداً لا يباع ولا يوهب ولا يورث متقرباً الى الله تعالى و طلباً لمرضاته و جری ذلك فی اوایل ربیع الآخر سنة اربع عشر و ستمایه هجریه» .

سطور فوق را در جزو دوازدهم که بسرقت رفته بود سیاه کرده اند و جزو دهم نیز که بسال ۱۰۳۷ هجری در دست شاه عباس صفوی بوده این ورق را نداشته است .

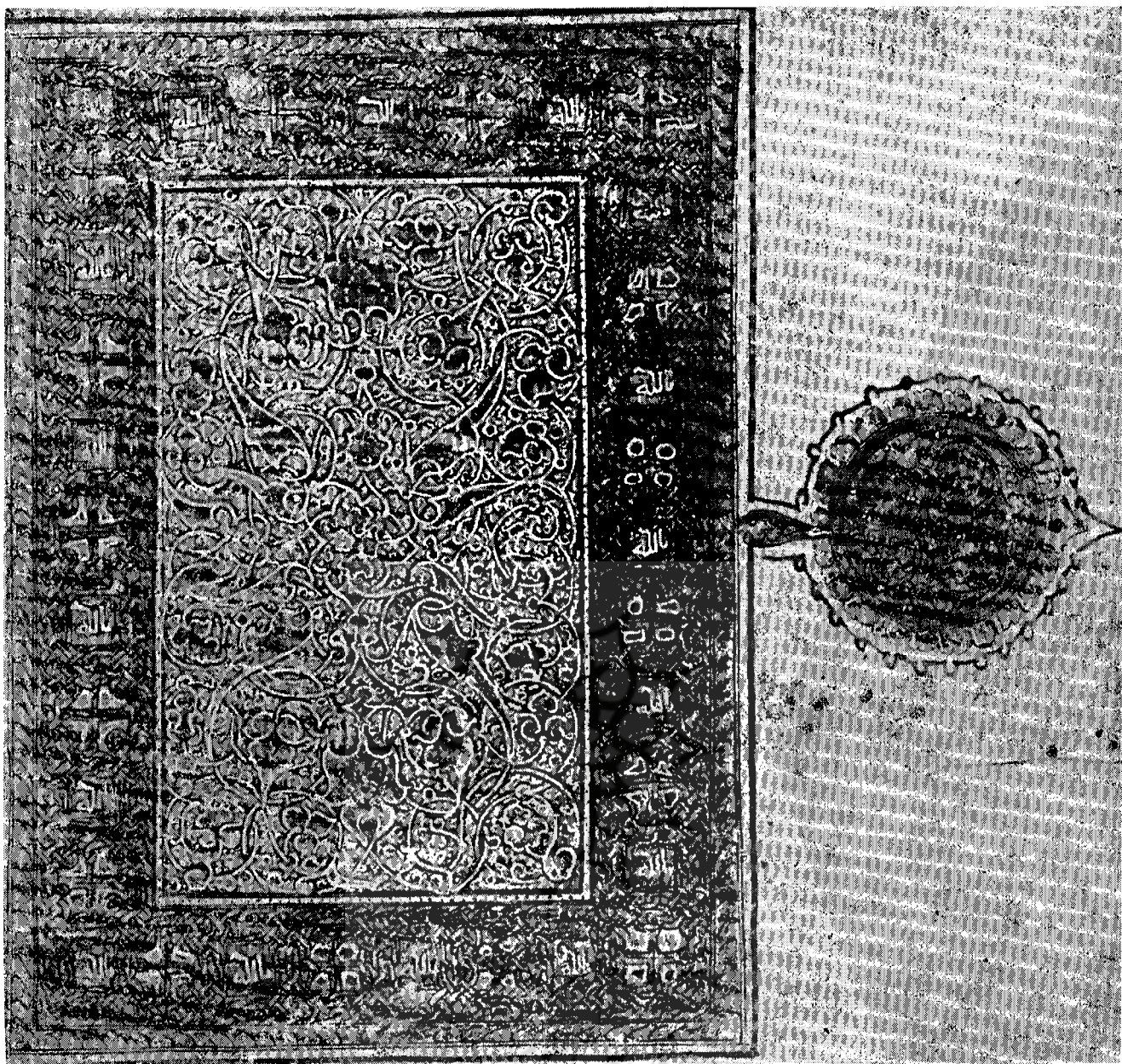
این قرآن عظیم دارای دوهزار و صد و سی و یک ورق است که مجموع صفحات آن به چهار هزار و بیست و شصت و دو بالغ میگردد و اگرچه جزوات آن از حیث خط و جلد و کاغذ

۴ و ۹ و ۱۱ و ۱۴ و ۱۷ و ۱۸ بکار رفته و قسمت دوم که مابقی اجزاء است در فواصل آیات دوایر زرین دارد با ذکر عدد آیه بخط کوفی تزیینی مانند : اثنان ، ثلثه ، اربعة ، خمسة ... الخ ، زمینه این دوایر با افشان سرنج روی زر ساخته شده و اطراف آن اسلیمی گیاهی است به زر تحریر دار .

ترنج های زرین شمه دار حواشی در تمام اجزاء با نقشهای متفاوت و بدیع طراحی شده و هر ترنج مبیّن ده آیه است از قبیل : عشر ، عشرون ، ثلثون ، اربعون ... الخ ، که بخط کوفی تزیینی نوشته شده است .

جلد چرمی قهوه ای و لبه دار است با حاشیه و ترنج گره ضربی و در حد فاصل جلد و لبه برگردان شماره هر جزو بخط کوفی تزیینی برجسته در دو قسمت منگنه شده است ، آستر جلدها پارچه ای و از نوع کتان ساده برنگ سبز مغزپسته ایست و بدرقه آن که پیارچه چسبیده یک ورق کاغذ ختایی از جنس کاغذ قرآنست .

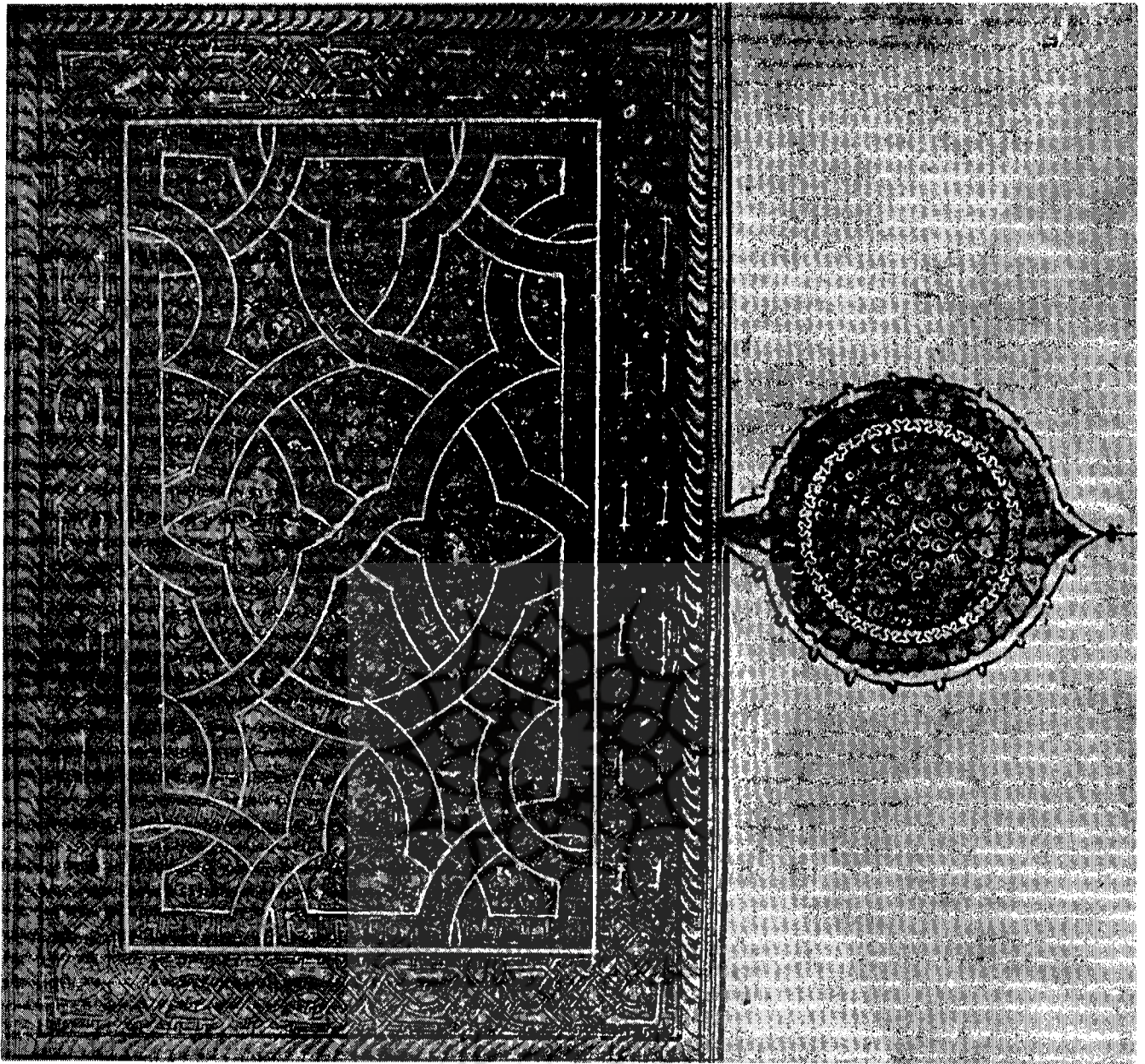
این سی جزو را که از شاهکارهای هنری کم نظیر قرن پنجم هجریست شیعه مؤمن با اخلاصی در ربیع الآخر سنه



صفحه‌ای تمام تذهیب از آغاز يك جزو .

تفنن هنری کرده است بطوریکه نقش دوترنج و دوسر سوره با هم برابر نیست ، مثلاً جزو سیام که پرکارترین اجزاء آنست با داشتن دو سر لوح و سی و شش سر سوره و چهل ترنج و دو صفحه تمام تذهیب ، يك طرح تکراری ندارد و اگر بنا

یکسانست ولی تذهیب آنها یکسان نیست و توصیفی که از تذهیب يك جزو آن در مجله هنر و مردم شده است با اینکه چیزی از آن عاید خواننده نمی‌گردد بهمان جزو خاتمه می‌پذیرد ، چه عثمان وراق غزنوی در هر جزوی بیک نحو

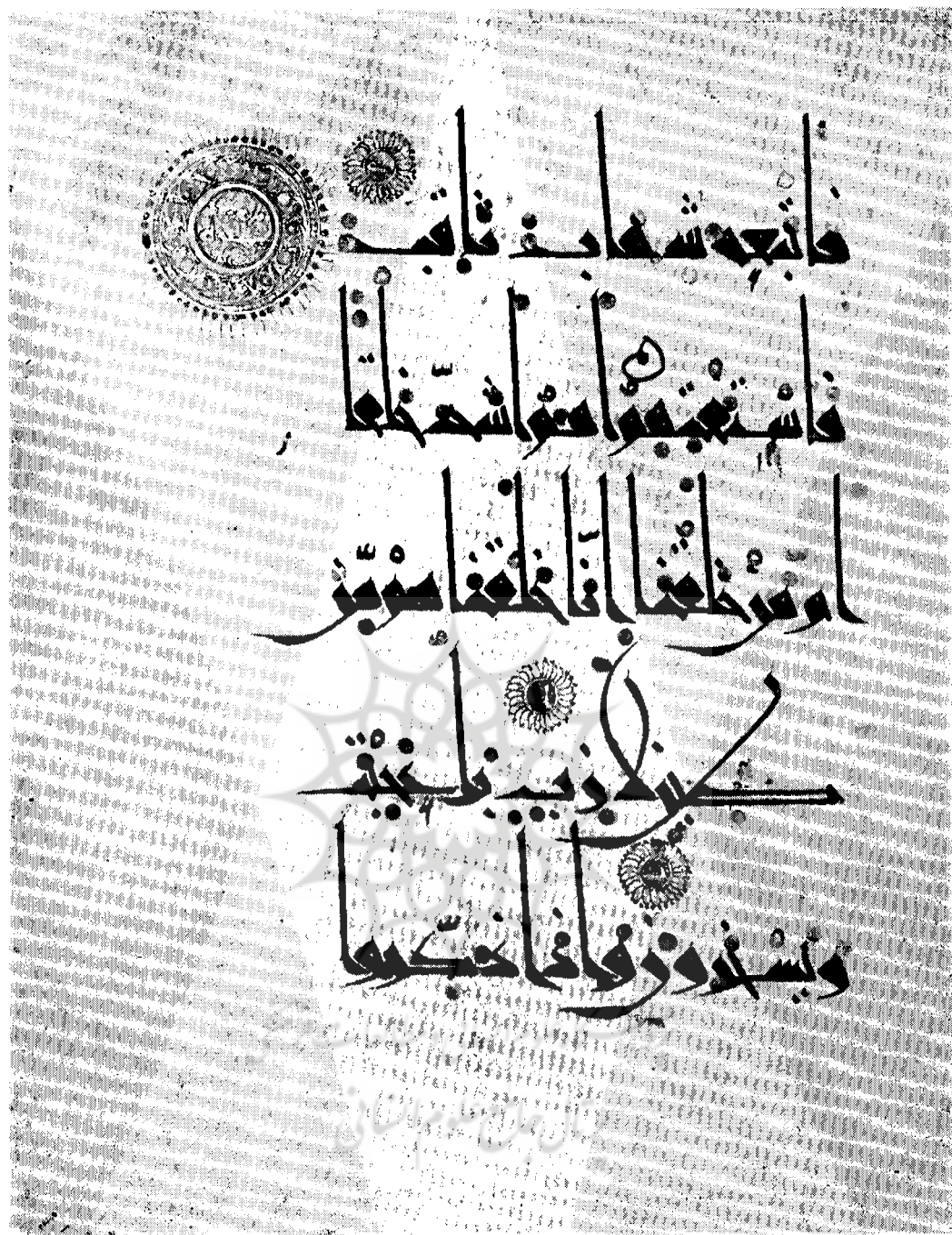


يك صفحه تمام تذهيب باآياتی از قرآن بخط كوفي تزيینی.

ممکن است شیوه تذهیب او را بدست آورد ؟
سی پاره دیگر

بخط وتذهیب محمد بن عثمان وراق
خوشبختانه يك جزو قرآن سالم (جزو بیست و سوم)

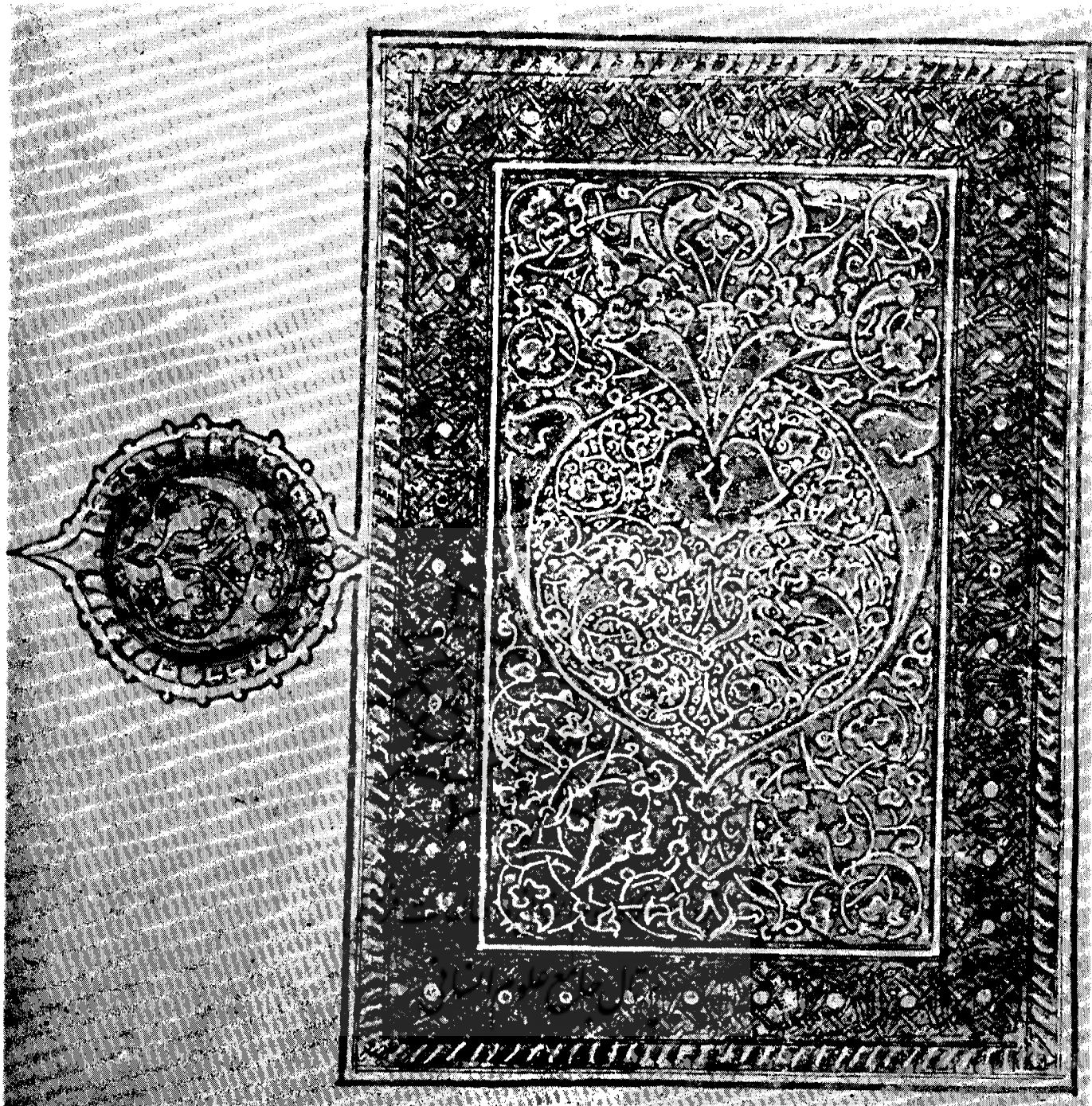
باشد که کسی شیوه تذهیب عثمان وراق را در صورت داشتن بصیرت تعریف و توصیف کند ، با توجه به تنوع کار وی باید يك کتاب بسیار مفصل و در عین حال مستند بنویسد ، و گرنه با دیدن دویشتانی و يك سر سوره و چند ترنج چگونه



خط و تذهیب محمد بن عثمان وراق .



رقم محمد بن عثمان وراق .

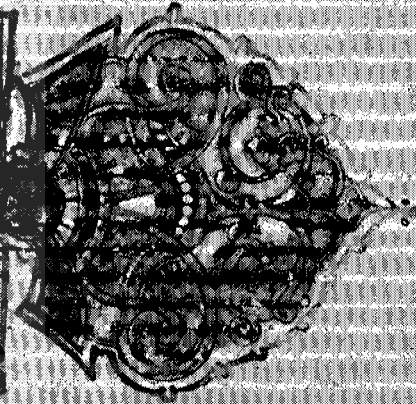
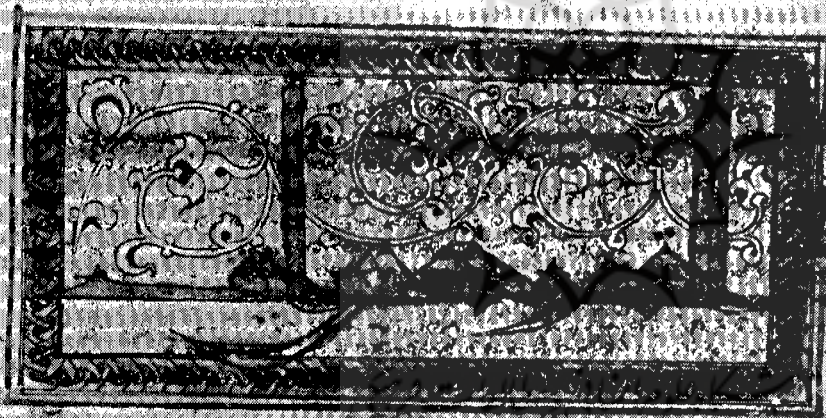
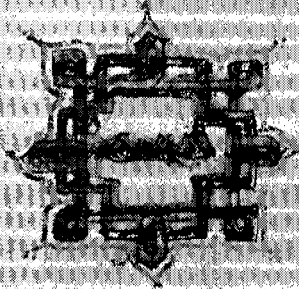


تذهیب محمد بن عثمان وراق .

لا



واما بعد واقعد



سبحان الله العظيم

جزو بیست و هفتم آغاز سورة الصمد

شامل هفتادوشش ورق در میان قرآنهایی که از بالای بام حرم مطهر بدست آمده بخط و تذهیب محمد فرزند عثمان وراق غزنویست که اگر رقم وی در پایان آن نبود بیننده بصیر خط و تذهیب آنرا نیز از حیث شباهت کامل، کار عثمان وراق میدانست.

محمد بن عثمان در این دو هنر دست کمی از پدر ندارد و پیرو مکتب اوست، تنها فرقی که قرآن پدر و پسر دارد در اندازه صفحه و درشت و ریزی خط است.

قرآن عثمان بن حسین وراق بقطع ۲۰/۵×۲۶ و اندازه مسطر آن ۱۰/۵×۱۵/۵ سانتیمتر است، و قرآن محمد بن عثمان بقطع ۱۷×۲۲/۵ و اندازه مسطر آن ۱۰×۱۳/۵ سانتیمتر است.

محمد بن عثمان در ذیل آخرین سطر جزو بیست و سوم با خط درشت کوفی بطول يك سطر (کنه) نوشته و در صفحه بعد با خط رقاع تحریری عبارت ذیل را بقلم آورده است: «و ذهبه محمد بن عثمان بن الحسين الوراق الغزنوی غفر الله لوالديه و لاسلافه و لجميع امة محمد صلى الله عليه وسلم».

این جزو قرآن را با بیست و نه جزو دیگر آن محمد حلفوری ملقب به شرف وقف بر مسجد جامع حلفور از توابع طوس کرده بود و متأسفانه در حال حاضر نه از حلفور نامی است و نه از ۲۹ جزو دیگر نشانی.

سند وقفیت این قرآن که پشت صفحه اول آن نوشته شده بشرح ذیل است:

«وقف کرد این جزو با اخوات این بیست و نه جزو دیگر و صندوقی که دروی موضوعست در سختیان^۹ پوشیده و ببند امین مقید گردانیده اضعف عباد الله محمد بن محمد بن محمد بن ابی دلف حلفوری ملقب بشرف بر مسجد جامع حلفور بطوس وقفی درست و شرعی تا درین بقعه خیرات رو [ز] جمعه قرآن می خوانند و بوقت حاجت بمحافل و مجامعها می برند و خادم مسجد رعایت این کند و محفوظ دارد و کودکان دبیرستان و کسانی که بشب درین بقعه قرآن می خوانند ایشانرا اجازت نیست این مصحف بدبیرستان بردن و ممنوعند از قرآن خواندن این مصحف باری عزوجل از وی قبول کند و دلیل نجات وی گرداناد اللهم اغفر له و لوالديه و [لا] ذنابه و لجميع امة محمد صلى الله عليه وسلم بتاریخ جمادی الآخره سنه اربع عشره

و ستمایه» (۶۱۴ هـ. ق)

یکی از ترنج های حواشی این جزو را با قیچی درآورده اند بطوریکه شمس دور آن باقی مانده است.

۱ - نام پدر عثمان حسین است و کلمه وراق مبتنی شغل اوست و این نام به کاتب و صحاف و ورق ساز اطلاق می شده است.

۲ - در یکی ازین قتل عامها که در سال ۹۹۸ هجری بدست عبداله من خان اوزبک صورت گرفت بشرحی که در تاریخ عالم آرای عباسی (۴۱۲/۱ - ۴۱۳) مسطورست: جمیع سادات و علما و خدام و مدرسان سرکار فیض آثار و صلحا و اتقیا که در مشهد مقدس بودند و آستانه مقدسه را ملحقا میدانستند بآنجا جمع شده بعدا اشتغال داشتند. . . . اوزبکیه بر متنفسی ابقاء نکردند و چون از ارباب جلالت پرداختند دست بخون صلحا و علما و سادات یازیدند، عبداله من خان شیوه این زیاد پیش گرفته شعله غضبش جز بخون سادات و علمای شیعه انطفا نمی پذیرفت. . . . و باکمال قساوت قلب در صفت میرعلیشیر ایستاده جنود شقاوت ورود اوزبکیه را باندرون روضه متبرکه فرستاده يك يك از بیچارگان مظلوم را از دارالسیاده و دارالحفاظ و مسجد جامع بیرون کشیده بدرجه شهادت میرسانیدند. . . . همچنین در کوچه ها و محلات دست بقتل و اسروینما برآورده هر کس را از محل اختفاء بیرون میکشیدند و بعد از قین و شکنجه و اخذ مال شربت شهادت میچشانیدند، روضه مقدسه بیاد غارت و تاراج رفت، قنادیل مرصع طلا و نقره و شمعدان که از حیز تعداد بیرون بود و مفروشات و ظروف و اوانی چینی و کتابخانه سرکار فیض آثار که در تمدای ایام از اقصی بلاد اسلام جمع شده بود از مصاحف بخطوط شریف حضرات ائمه معصومین و استادان ما تقدم مثل یاقوت مستعصمی و استادان سته و دیگر کتاب علمی و فارسی که از حیز احصاء بیرون بود بدست اوزبکان بی تمیز نادان درآمده آن در گرانمایه را چون خرف ریزه بی بها به یکدیگر می فروختند.

۳ - در صورتیکه تاریخ به سرقت رفتن جزو دهم راهمان سال ۱۰۳۷ هجری فرض کنیم و از آن جلوتر نرویم، نتیجه این میشود که جزو مزبور پس از سیصد و پنجاه و هفت سال به سایر اجزاء خود پیوسته است.

۴ - مثل این عبارت که در صفحه ۵۱ مجله سطر ۱۱ - ۱۲ ستون سوم آمده است: «شاخ و برگهای نیزه ای شکل سر برگشته مگرد و عمودی»؟! ۱

۵ - سختیان: با فتح و کسر اول، اسم فارسی است بمعنی پوست بز دباغت یافته، چرم سپید، و نوع معروف آن گوزگانی است، منسوب به گوزگانان (= جوزجانان) چنانکه در ترجمه مسالك و ممالك اصطخری (ص ۲۱۴) آمده است: و از ناحیت گوزگانان سختیان گوزگانی خیزد و بهمه خراسان از آنجا برند» رك: فرهنگنامه های فارسی ذیل سختیان و گوزگانی و مقدمه الادب (۲۸۳/۱)